آن هایی که به غلط می گویند: دکتر مصدق تابعیت سویسی داشته، چه ماموریتی دارند؟!

رزم آسا، اسماعیل

فشار زندگی آن‏چنان عرصه را بر اکثریت قریب به اتفاق مردم تنگ‏ کرده است که دیگر به همه چیز بی‏اعتنا شده‏اند و اگر اشتباهی هم در مسائل‏ تاریخی می‏بینند،با بی‏اعتنایی از کنار آن می‏گذرند و خود را وارد این‏گونه‏ مباحث نمی‏کنند،چرا که گرفتاری‏های زندگی مجال ورود به این مسائل را به‏ آنان نمی‏دهد.

فقط عده‏ی انگشت‏شماری‏اند که تحمل شنیدن مسائل خلاف حقیقت‏ را ندارند.لذا این جا و آن جا زبان به شکوه می‏گشایند،به تشریح وقایع‏ می‏پردازند و مانع تحریف حقایق تاریخی می‏شوند.

آقایی از قم در شماره‏های 20 و 22 مجله حافظ ایراد گرفته که:«چرا به جای گزارش حضور صدها هزار نفر در مزارات متبرکه مثل مشهد،قم، جمکران و حضرت عبدالعظیم به گزارش گردهمایی‏های کوچک در تولد و درگذشت مصدق در احمدآباد یا سالگرد دکتر فاطمی و داریوش فروهر اولویت می‏دهید و عبد هم سوال دیگری مطرح کرده و پاسخ آن را خواسته‏ که:«چرا دکتر مصدق،اگر این همه متعهد و ملتزم به رعایت قانون بود و تابعیت سویسی گرفته و بدتر از همه چرا با داشتن تابعیت مضاعف بعد از شهریور 1320 نماینده‏ی مجلس و نخست‏وزیر شد،قوانین مملکتی کسانی‏ را که تابعیت خارجی گرفته بلکه،همسر غیرایرانی داشته باشند،صالح به‏ داشتن چنین مقاماتی نمی‏شناسد.حالا شما مصدقی‏ها که از وی بت‏ ساخته‏اید جواب بدهید؟»(ص 103 و 104 شماره‏ی 20 مجله‏ی حافظ)

آقای دیگری هم در کرمان از مریدان دکتر بقایی،در روزنامه‏ی بیداری‏ به همین موضوع اشاره کرده و یکه به قاضی رفته.

متاسفانه بعضی‏ها که فقط می‏خواهند نیشی بزنند،بدون مطالعه هر چه‏ به ذهنشان می‏رسد،می‏نویسند و مردم به سبب گرفتاری‏های روزمره‏ی‏ زندگی حوصله‏یی که جواب بدهند،ندارند.

این آقا در قم و آن آقا در کرمان که خود را تربیت‏یافته‏ی مکتب حزب‏ زحمتکشان دکتر بقایی می‏داند،اگر اهل مطالعه می‏بودند،هرگز چنین‏ مطلبی نمی‏نوشتند.

اولا،مقایسه‏ی دکتر مصدق با پیشوایان دینی مقایسه‏ی درستی نیست، اگر دکتر مصدق در قید حیات می‏بود خودش می‏گفت:«من خاک پای آن‏ها هم نمی‏شوم،چرا نام مرا در ردیف آن‏ها می‏آوری؟»

ثانیا،توجه به ائمه طاهرین به قصد ارادت به آن‏ها از مختصات شیعه‏ است که در بارگاه آن‏ها حضور می‏یابند و ضمن عرض ارادت به آستان مبارک‏ آنان از پیشگاه‏شان برای خدمتگزاران وطنشان آروزی سلامتی و توفیق‏ می‏کنند و و برای امور دنیا و آخرت خود استمداد می‏طلبند و این هرگز به این‏ معنا نیست که اگر گه گاهی و به مناسبتی بر مزار کسانی مانند مرحوم دکتر مصدق و یا شهید دکتر سید حسین فاطمی که روزی در این مملکت منشا خدمتی شده‏اند و مورد ظلم قرار گرفته‏اند و یا کسانی مانند فروهرها که بی هیچ جرم و جنایتی به طرز فجیعی به قتل رسیده‏اند،حضور می‏یابند و از آن‏ها یادی می‏کنند،نفی ارادت و علاقه‏شان به بزرگان دین‏شان نیست.

من در تعجبم که با وجود این همه اهل علم در قم،یکی به این آقا اعتراض نکرده که چرا چنین مقایسه‏یی می‏کنی؟!

و اما در مورد سوال دیگر این آقا که به موضوع تابعیت سویسی دکتر مصدق اشاره کرده باید بگویم:

مرحوم دکتر مصدق همواره علاقه‏مند بوده که بعد از پایان تحصیلات‏ به ایران بازگردد و به وطن خود خدمت کند.کیهان فرهنگی به نقل از کتاب‏ مصدق و مسائل حقوق و سیاست،تالیف ایرج افشار در سال شمار زندگی‏ دکتر مصدق،می‏نویسد:«من همیشه در این فکر بودم اگر روزی نتوانم در ایران به وطن خود خدمت کنم،محل اقامت خود را سوئیس قرار بدهم و از همین لحاظ در آن جا کارآموزی کرده،تصدیق‏نامه‏ی وکالت گرفتم و چون‏ استفاده از این شغل موکول به تحصیل تابعیت بود،درخواست تابعیت نمودم» (ابتدا سه سال اقامت کافی بود...)

در مورد این‏که نوشته‏اید:«از دکتر مصدق بت ساخته‏اید»باید گفت که‏ این هم مانند مطالب دگیر شماست که چنین تصور غلطی دارید.زیرا نه‏ کسی از مصدق بت ساخته و نه آن مرحوم راضی به این موضوع بوده است. برای اثبات این ادعا به نقل نامه‏یی که در تاریخ 31 تیر ماه 1369 مرحوم‏ آیت‏اللّه پسندیده برادر بزرگوار امام خمینی(ره)خطاب به مرحوم دکتر جلال‏ غنی‏زاده،مدیر نشریه‏ی افتخارات ملی مرقوم داشته،می‏پردازم و تصویر تمامی آن را در این جا می‏آورم و به یادتان باشد که احترام و یاد خیر از خدمتگزاران را بت سازی تلقی نکنید.

«...چون در نشریه‏ی جناب‏عالی مربوط به مرحوم دکتر مصدق و نخست‏وزیری ایشان مطلب برجسته‏یی منتشر می‏شود و اخیرا در کتابی‏ راجع‏به ایشان بعضی عناوین نامناسب مذهبی و عدم وابستگی(به مذهب) نوشته شده است،چون بر خلاف واقع است،تصدیع می‏دهم.مرحوم دکتر مصدق مقید به اسلام،تشیع و مملکت بود و در وصیعت ایشان که یک نسخه‏ نزد این جانب است،علاقه‏مندی به اسلام کاملا روشن و آشکار است و برای‏ ایشان به وسیله‏ی حضرت آیت‏اللّه طالقانی مرحوم دو حج یکی میقاتی یکی‏ بلدی استیجار گرددیه است،اشتباه نویسندگان محرز می‏شود.

مشارالیه علاقه به اسلام،تشیع،مملکت،مردم و آزادی داشته و عمل‏ می‏نمودند و حتا جدا از عکس بزرگ خود که آقای نصرت‏اللّه خان امینی‏ (شهردار وقت تهران)گرفته بود از انتشارش جلوگیری کردند و از مجسمه‏ که قصد داشتند تهیه کنند،ممانعت کردند و گفتند:از من بت نسازید. مشارالیه یگانه مردی لایق و خدمت‏گزار بود و کاملا در جریان امور بودند، علیه‏الرحمه ماجور باشند و السلام علیکم.سید مرتضی پسندیده خمینی- امضا».